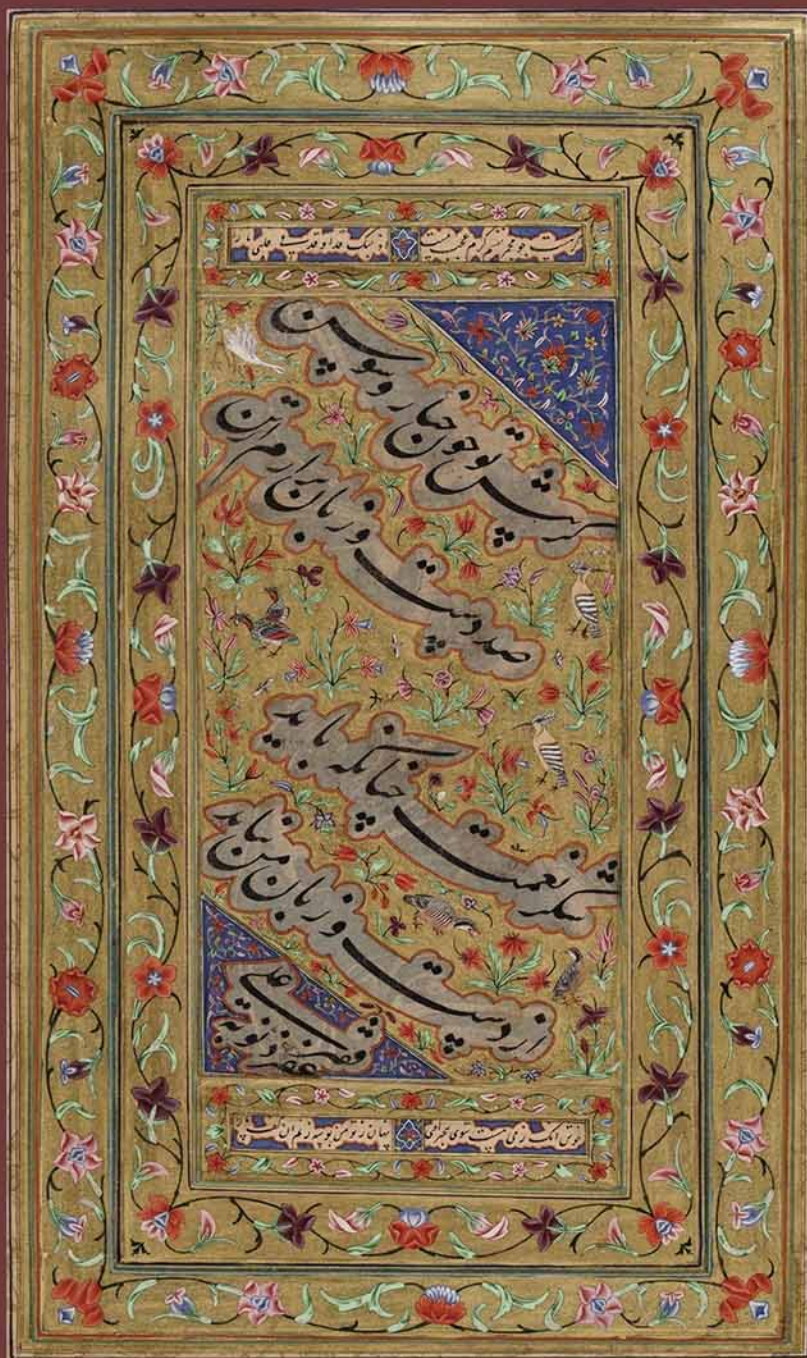


فصلنامه اطلاع رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه شناسی و ایران شناسی

دوره سوم، سال چهارم، شماره یکم و دوم، بهار - تابستان ۱۳۹۸ [انتشار: زمستان ۱۳۹۹]

سرسختن: دیپلماسی فرهنگی و میراث مکتوب • نظام تعریف/علی اشرف صادقی • معرفی سه منبع کهن رباعیات خیام / سید علی میرافضلی • سیدمهره و شکبه / علی صفی آققله • چند نکته و لغت از «مواهب الہی» معین الدین یزدی / احمد بهانی • توضیحاتی درباره چند تن از مملو حان موزجوری دامغانی / راضیه آبدیان • تصحیح پتی از طلیان مرغری / محسن احمدوندی • خاکم به دهان، درباره سابقه یک مثل / ویلہم باخرا، ترجمہ: سہاس ریوندی • نگاہی بہ «تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی» / مجالدین کیوانی • نقد و بررسی «دیوان ازرقی هروی» / مجالدین کیوانی • توضیحاتی درباره «بخشی از تفسیری کهن بہ پارسی» / مسعود فاسمی • رباعیات ختام بہروایت شیخ محمود بیروذاتی / سید علی میرافضلی • «تلفظ در شعر کهن فارسی»: سرشتی بایدہا و ناپیدہای پژوهش / علی شاپوران • حکایتی ساختگی از قرآنہای خطی افغانستان: نقادی بر کتاب «حکایت قرآنہای ناپیدای افغانستان» و مقالہ «آغازی بر فہرست نگاری مخطوطات افغانستان» / مصوبہ نظری • نگاہی بہ تصحیح «خلاصۃ الاشعار و زیۃ الافکار» (بخش یزد و کرمان و نواحی آن) / مرتضی موسوی • معرفی و نقد کتاب «ناصر خسرو» / حسن حیدر زادہ سردرود • نقد و بررسی ترجمہ «شکوئتلا» / سید احمد رضا قائم مقامی • دورنمایی از کتاب «قرآن موزخان» / زینب سادات ایلچی • نگاہی منتقدانہ بہ مقالہ «سنگ نبشتہای نویافتہ در آرامگاہ داریوش بزرگ در نقش رستم (DNF)» / سہیل دلشاد • ریشہ شناس چہ می کند (۶-۱۰) / سید احمد رضا قائم مقامی • آثار نعیمہ مصطفی افندی / نصراللہ صالحی



فهرست

سرخن

دپلماسی فرهنگی و میراث مکتوب ۳-۵

جستار

- نظام تعریف / علی‌اشرف صادقی ۶-۷
معرفی سه منبع کهن رباعیات ختیم / سید علی میرافضلی ۸-۱۳
سپیدمهره و شنکجه / علی صفری آق‌قلعه ۱۴-۱۷
چند نکته و لغت از «مواهب الهی» معین‌الدین یزدی / احمد بهنامی ۱۸-۲۱
توضیحاتی درباره چند تن از ممدوحان منوچهری دامغانی / راضیه آبادیان ۲۲-۲۷
تصحیح بیت‌ی از طیتان مرغزی / محسن احمدوندی ۲۸-۳۰
خاکم به دهان، درباره سابقه یک مثل / ویلهلم باخر: ترجمه: سپاس ریوندی ۳۱-۳۳

نقد و بررسی

- نگاهی به «تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی» / مجتالدین کیوانی ۳۴-۴۹
نقد و بررسی «دیوان ازرقی هروی» / مجتالدین کیوانی ۵۰-۵۴
توضیحاتی درباره «بخشی از تفسیری کهن به پارسی» / مسعود قاسمی ۵۵-۶۴
نکاتی درباره «تفسیر قرآن پاک» / مسعود قاسمی ۶۵-۷۱
رباعیات ختیم به روایت شیخ محمود پیربوداقی / سید علی میرافضلی ۷۲-۷۵
«تلفظ در شعر کهن فارسی»: سرمشق بایدها و نبایدهای پژوهش / علی‌شاپوران ۷۶-۱۰۴
حکایتی ساختگی از قرآن‌های خطی افغانستان: نقدی بر کتاب «حکایت قرآن‌های ناپیدای افغانستان»
و مقاله «آغازی بر فهرست‌نگاری مخطوطات افغانستان» / معصومه نظری ۱۰۵-۱۰۸
نگاهی به تصحیح «خلاصة الاشعار و زیدة الافکار (بخش یزد و کرمان و نواحی آن)» /
مرتضی موسوی ۱۰۹-۱۲۵
معرفی و نقد کتاب «ناصر خسرو» / حسن حیدرزاده سردرود ۱۲۶-۱۳۶
نقد و بررسی ترجمه «شکونتلا» / سید احمد رضا قائم‌مقامی ۱۳۷-۱۴۱
دورنمایی از کتاب «قرآن مورخان» / زینب سادات ابیطی ۱۴۲-۱۴۶
نگاهی منتقدانه به مقاله «سنگ‌نبشته‌ای نویافته در آرامگاه داریوش بزرگ در نقش رستم (DNF)» /
سهیل دلشاد ۱۴۷-۱۵۹

پژوهش‌هایی در باب تحقیق

ریشه‌شناس چه می‌کند؟ (۶-۱۰) / سید احمد رضا قائم‌مقامی ۱۶۰-۱۶۶

ایران در متون و منابع عثمانی (۲۱)

آثار نعیم مصطفی افندی / نصر الله صالحی ۱۶۷-۱۷۰

گفته وی «علیرغم پذیرفته شدن در همایش، این مقاله برای حاضران قرائت نشد و قرار بر این بوده است که تنها در کتاب مقالات همایش چاپ شود».

این ادعای ایشان توسط دو فرد دیگر نیز تأیید گردید. فرد نخست مجید دهقانی بود که گویا یکی از مسئولین برگزاری همایش در شیراز و به تبع آن گردآوری مجموعه مقالات ارائه شده به همایش بوده است. وی در کانال تلگرامی خود (کانال جهان‌پژوه‌شناسی)^۱ در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۹۷ ادعا کرد که «مقاله مشترک جناب روستایی و دکتر ارفعی توسط هیأت علمی» پذیرفته شده بوده ولی «به صورت سخنرانی ارائه نگردید» و این فرد «تنها اقدام به چاپ مقاله» نموده است. نفر دوم که این ادعا را در رابطه با کتیبه نو یافته هخامنشی در نقش رستم تأیید کرد، نویسنده دوم مقاله مورد اشاره در این گفتار، یعنی عبدالمجید ارفعی است که در بخش پرسش و پاسخ‌های پس از سخنرانی خود با عنوان «شیراز در گل‌نبشته‌های تخت جمشید» (۲۳ مرداد ۱۳۹۸، شیراز، تالار پردیس شورای شهر شیراز) آگاهی خود را از وجود این کتیبه، از «سه سال پیش» و به واسطه نویسنده اول، ابراز داشت و اصل مقاله و خوانش آن را تأیید نمود.

جز اظهارات شفاهی‌ای که از افراد یادشده نقل کردیم، سند مکتوبی، مانند نامه پذیرش مقاله، از سوی مدعیان ارائه نگردید و پیگیری مکرر نگارنده و مجتبی دورودی و بعضی دیگر از دوستان برای دریافت نسخه منتشر شده یا در دست چاپ مقاله از افراد یادشده، جهت درج در پیشینه پژوهشی این کتیبه در نخستین اثر مشترک دلشاد و دورودی درباره این کتیبه (نک. DELSHAD & DOROUDI, 2019) ناموفق بود. مسئول گردآوری مجموعه مقالات همایش، پس از درخواست‌های مکرر، تنها اعلام نمود که می‌تواند شماره استاندارد بین‌المللی کتاب (شابک) مجموعه مقالات را در اختیار درخواست‌کنندگان قرار بدهد و با توجه به اینکه شماره شابک یک کتاب در دست انتشار نمی‌تواند ملاکی برای ارجاع به مقاله ادعایی باشد، به این پاسخ اعتنایی نشد. حدود یک ماه پس از ادعای اولیه

۱. این کانال بعدها از دسترس خارج شد و پس از مدتی کانال جدیدی با همین عنوان با مدیریت همان شخص دوباره ایجاد شد. منتهی مطلب فوق در مورد کیفیت دریافت مقاله در کانال جدید (https://t.me/world_of_iranology) وجود ندارد.

نگاهی منتقدانه به مقاله «سنگ‌نبشته‌ای نو یافته در آرامگاه داریوش بزرگ در نقش رستم (DNf)»

سپیل دلشاد

مؤسسه ایران‌شناسی دانشگاه آزاد برلین
soheil.delshad88@gmail.com

«سنگ‌نبشته‌ای نو یافته در آرامگاه داریوش بزرگ در نقش رستم (DNf)». ابراهیم روستایی فارسی، عبدالمجید ارفعی. مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی تاریخی فرهنگی جنوب ایران (فارس تاریخی). به اهتمام مجید دهقانی، غلامرضا خوش‌اقبال. شیراز: برازمان، ۱۳۹۷. ص ۷۹۴-۸۰۳.

۱. درآمد

در تاریخ نهم بهمن ۱۳۹۷ و در پی اعلام رسمی مشاهده یک کتیبه جدید و پنهان‌مانده از دید پژوهشگران در سمت راست آرامگاه داریوش اول در نقش رستم، که در تالار پردیس شورای شهر شیراز و با همکاری بنیاد ایران‌شناسی شاپور شهبازی، دانشگاه شیراز، مجموعه گردشگران سرو شیراز و انجمن صنفی راهنمایان ایرانگردی و جهانگردی استان فارس برگزار گردید، افراد دیگری نیز با انتشار بیانیه‌هایی در فضای مجازی ابراز داشتند که از مدت‌ها پیش از این تاریخ (نهم بهمن ۹۷)، از وجود این کتیبه آگاه بوده‌اند. بر اساس ادعای یکی از این افراد، به نام ابراهیم روستایی فارسی، وی مدت مدیدی از وجود این کتیبه اطلاع داشته و به همراه عبدالمجید ارفعی مقاله‌ای (نک. فارسی و ارفعی، ۱۳۹۷) را جهت ارائه به «نخستین همایش بین‌المللی تاریخی فرهنگی جنوب ایران (فارس تاریخی)» (۱۵-۱۷ آذر ۱۳۹۶) تهیه نموده و به دبیرخانه همایش تحویل داده بوده است. بنا بر

مبنی بر وجود نسخهٔ مکتوب مقالهٔ روستایی فارسی و ارفعی، در تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۹۷ تصاویری از نسخهٔ الکترونیکی مقالهٔ روستایی فارسی و ارفعی در مجموعهٔ مقالات یادشده به دست نگارنده (با شمارهٔ صفحات ۷۹۰-۷۹۹) رسید و نسخهٔ چاپی آن (در جلد نخست مجموعهٔ مقالات همایش مذکور با شمارهٔ صفحات ۷۹۴-۸۰۳) هم در بهار ۱۳۹۸ منتشر گردید.

با توجه به اینکه نهاد علمی اصلی برگزارکنندهٔ همایش مذکور مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی بوده‌است، از همان زمان انتشار ادعای یادشده، تلاش بسیاری صورت پذیرفت تا به شکل مستقیم از دفتر ریاست مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی اطلاعاتی مبنی بر وجود سندی (یعنی رسید دریافت چکیده یا گواهی‌نامهٔ پذیرش مقاله) که ادعای نویسندگان مقالهٔ مذکور و یکی از دبیران اجرایی همایش را تأیید و اثبات نماید دریافت شود، اما متأسفانه این پیگیری‌ها ثمربخش نبود و مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی هیچ نامه یا رسیدی مبنی بر اثبات ادعای دبیر وقت همایش (مجید دهقانی) در اختیار متقاضیان قرار نداد. به عبارت دیگر، چکیدهٔ مقالهٔ مورد ادعا و یا نامهٔ پذیرش رسمی آن که از سوی دبیرخانهٔ همایش ارسال و تأیید شده‌باشد و نیز تأییدیهٔ پذیرش مقاله توسط «هیأت علمی» همایش در اختیار پرسش‌کنندگان قرار نگرفت. تا امروز نیز همچنان این تردید در ذهن نگارنده باقی مانده‌است که آیا چنین سندی وجود خارجی دارد، یا چنین مقاله‌ای پیش از ۱۴ اسفند ۱۳۹۷ (زمان دسترسی به نسخهٔ الکترونیکی مقالهٔ روستایی فارسی و ارفعی در مجموعهٔ مقالات همایش مذکور) بدین شکل وجود داشته‌است؟ مدتی بعد، یعنی روز شنبه یکم شهریور ۱۳۹۹، رایانامه‌ای با عنوان «a case of plagiarism» با حساب کاربری‌ای به نام «saman ab» با محتوای بر ملا کردن سرقت علمی نگارنده و مجتبی دورودی و نیز اتهامات اخلاقی دیگر نسبت به این دو، به تعداد زیادی از اساتید داخلی و خارجی در حوزهٔ مطالعات باستان‌شناسی ارسال گردید. در متن رایانامه، پیوندی به مطلبی در همین رابطه (یعنی سرقت علمی در مقالهٔ نگارنده و مجتبی دورودی در رابطه با کتیبهٔ DNF) به زبان انگلیسی در تارنمایی نیز درج شده بود.^۲ به این

رایانامه (که نخستین از سلسلهٔ رایانامه‌های محتوی اتهامات مختلف به نگارنده و مجتبی دورودی بود) شکل دیگری از مقالهٔ روستایی فارسی و ارفعی (که به ادعای نویسندگان رایانامه، که هویتشان ناشناخته بود، نسخهٔ ارسال شده به دبیرخانهٔ همایش مذکور بوده‌است)، در هشت صفحه پیوست شده بود. مشخص نیست که نویسندگان آن رایانامه و دیگر رایانامه‌ها چگونه به این شکل منتشر نشده از مقالهٔ روستایی فارسی و ارفعی دست یافته‌اند. این شکل خام از مقاله حتی با نسخهٔ الکترونیکی که در تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۹۷ به دست نگارنده رسید (نک. بالاتر) نیز تفاوت دارد. مطلب منتشر شده توسط این افراد ناشناس در تارنمای مذکور، پس از آنکه نگارنده و مجتبی دورودی توضیحات و اسناد مرتبط را به مدیریت آن تارنما ارسال کردند، برداشته شد و یادداشت کوتاهی در این زمینه نیز در همان تارنما درج گردید. ولی مقالهٔ ارسال شده به پیوست نخستین رایانامه، بعدتر در نسخهٔ نهایی نقد جاری به عنوان سندی دیگر، یاری‌کنندهٔ نگارنده برای اثبات برخی از ایرادات طرح شده گردید (نک. پایین‌تر).

از آنجا که سند مکتوب و متقنی از وجود این مقاله پیش و حتی در زمان انتشار رسمی خبر کشف کتیبه در نهم بهمن ۱۳۹۷ در دست نیست تا به استناد آن به بحث چگونگی وصول و انتشار مقاله در مجموعهٔ مقالات همایش یادشده پایان داده‌شود و پر واضح است که این موضوعی است که تا کنون مدعیان می‌بایست آن را اثبات می‌کردند، لازم است به متن مقاله و کیفیت نگارشی و علمی آن، در همان صورت چاپ شده در مجموعهٔ مقالات همایش فارس تاریخی، رجوع نمود تا بدین ترتیب هم از کم و کیف آن مقاله آگاه شویم و هم از روی همین شواهد متنی پاسخی به این پرسش بگوییم که «آیا چنین مقاله‌ای (مقالهٔ مورد نقد در این گفتار) در زمان اعلام رسمی خبر وجود یک کتیبهٔ دیده‌نشده (در تاریخ نهم بهمن ۱۳۹۷)، بدین شکل وجود خارجی داشته‌است یا خیر؟».

۲. نقد و بررسی متن مقاله

۲.۱. مقدمهٔ مقاله

این مقاله در جلد نخست مجموعهٔ مقالات نخستین همایش بین‌المللی تاریخی فرهنگی جنوب ایران (فارس تاریخی)،

2. <https://www.all-the-classics.com/blog/2020/08/23/dnf-a-new-inscription-emerges-from-the-shadow/>

نگارندگان بدون درج علامت «نقطه» در پایان پاراگراف، بند نخست مقاله را رها می‌کنند. اهل پژوهش می‌دانند که بی‌دقتی در این موارد خبر از شتاب و دستپاچگی در نوشتن متن می‌دهد. بند دوم مقاله با این عبارت شروع می‌شود: «برای مطالعه این سنگ‌نبشته...» (روستایی فارسی و ارفعی، ۱۳۹۷: ۷۹۴). کدام سنگ‌نبشته؟ از آغاز همین بند خواننده به‌ناگاه متوجه می‌شود که بحث اصلی مقاله درباره «این سنگ‌نبشته» است که هنوز جای دقیق و کیفیت آن برایش مبهم باقی مانده و البته قرار است در بندهای بعدی به آن پرداخته شود. نویسندگان مقاله جمله یادشده را اینگونه ادامه داده‌اند:

برای مطالعه این سنگ‌نبشته بایست به منابعی همچون هرتسفلد، اشمیت نخستین بررسی‌کننده واقعی آرامگاه‌های نقش رستم، کنت کسی که بر اساس نوشته‌ها و داده‌های اشمیت و... کتاب پارسی باستان را نوشته است. (همانجا)

از آنجا که نویسندگان پس از عبارت «نوشته است» این بار علامت «نقطه» را درج کرده‌اند می‌فهمیم که این جمله قاعداً باید از نظر دستوری تمام شده‌باشد، ولی نمی‌دانیم که در نهایت برای مطالعه این کتیبه بایسته است چه کرد. آیا منظور نویسندگان این است که می‌بایست به منابع یادشده مراجعه کرد؟ به عبارت دیگر مشخص نیست این جمله با چه فعلی تمام می‌شود. فارغ از خلأ فعل مناسب برای پایان دادن به جمله، نمی‌دانیم منظور از «منابعی همچون هرتسفلد» چیست. آیا هرتسفلد عنوان یک منبع است یا عنوان یک نویسنده؟ دقیقاً کدام اثر هرتسفلد مد نظر نویسندگان است؟ در بخش منابع آیا اثری از نام هرتسفلد دیده می‌شود؟ گویی نویسندگان مقاله به اجتهاد مخاطبان و یافته شدن منبع مورد نظر توسط خود ایشان چشم امید داشته‌اند و رنج توصیف دقیق آن را تحمل ننموده‌اند.

پس از این جمله ناقص نویسندگان از «قلمفرسایی» اشمیت درباره آرامگاه‌ها و به‌ویژه آرامگاه داریوش یاد کرده‌اند و ارجاعی به این سیاق ارائه داده‌اند («Schmidt, 1970: p.79-90») (همان: ۷۹۴). اما در فهرست منابع مشخصات «اشمیت، ۱۹۵۷» (جلد دوم از مجموعه سه‌جلدی اشمیت درباره تخت‌جمشید و محوطه‌های اطراف) آمده‌است؛ بنابراین ارجاع درون‌متن با فهرست منابع کاملاً نامتناسب و بی‌ربط است و

(شیراز- آذر ۱۳۹۶) در ده صفحه (ص ۷۹۰-۷۹۹ در نسخه الکترونیکی پیش از چاپ و صفحات ۷۹۴-۸۰۳ در نسخه چاپی) منتشر شده‌است. نوبت و سال چاپ نیز ۱۳۹۷ قید شده‌است. به جز یک صفحه منابع و سه صفحه تصاویر، مجموعه متن مقاله به شش صفحه می‌رسد. برخلاف یک مقاله دیگر از یکی از نویسندگان (یعنی ابراهیم روستایی فارسی) در همین مجموعه (مرادی و روستایی فارسی، ۱۳۹۷: ۲۷۳-۲۸۴) و سایر مقالات منتشرشده در این مجموعه دوجلدی، این مقاله فاقد چکیده است. رعایت نشدن این قاعده (یعنی درج چکیده مقاله) برخلاف اینکه در قالب آماده مقالات همایش (که توسط برگزارکنندگان همایش برای نویسندگان مقالات ارسال شده‌است) بخش چکیده لحاظ گردیده، از ایرادات قابل توجه این مقاله است (که البته غیر از این مقاله در چهار مقاله دیگر از جلد اول این مجموعه مقالات نیز دیده می‌شود). باز هم برخلاف مقالات دیگر، عنوان مقاله در بالای صفحات هم دربردارنده ایرادهایی چند است، به عبارت دیگر، در بالای هر صفحه از مقاله‌های این مجموعه عنوان مقاله‌ها در کنار شماره صفحه با قلمی کوچک نوشته شده، حال آنکه عنوان این مقاله، که در اصل «سنگ‌نبشته‌ای نویافته در آرامگاه داریوش بزرگ در نقش رستم (DNF)» است، در صفحات مختلف آن به صورت‌هایی متفاوت آمده (بالای صفحات فرد: سنگ‌نبشته نویافته در آرامگاه داریوش بزرگ؛ بالای صفحات زوج: سنگ‌نبشته‌ای نویافته در آرامگاه داریوش) که خود نشانی از پریشان‌خاطری و دستپاچگی در صفحه‌بندی است.

در بند ابتدایی مقاله، نویسندگان بحث خود را از موقعیت شهر استخر آغاز می‌کنند و متعاقب آن (با ارجاع به یک اثر از شاپور شهبازی) به نقش رستم می‌رسند. در متن مقاله ارجاع اینگونه قید شده‌است: «(شهبازی، ۱۳۵۷، ۱۶)». گویا بر نگارندگان پوشیده است که شاپور شهبازی صورت درست و کامل نام خانوادگی پژوهشگر فقید شیرازی است. این اشکال در فهرست منابع نیز دیده می‌شود: «(شهبازی، علیرضا شاپور)» (روستایی فارسی و ارفعی، ۱۳۹۷: ۸۰۳). اگر نگارندگان به شناسنامه اثری که بدان ارجاع داده‌اند دقت کرده بودند به راحتی می‌توانستند دریابند که نام این نویسنده علیرضا و نام خانوادگی اش شاپور شهبازی است.

است و این در امر پژوهش خطایی فاحش به‌شمار می‌رود. در ادامه همین بند (همان: ۷۹۵) از «تصاویر ارنست هرتسفلد و سایر پژوهشگران» یاد شده‌است، بدون اینکه منابع مرتبط با این تصاویر معرفی شود. سپس نویسندگان از «سنگ‌نبشته داریوش بزرگ در نقش رستم» یاد کرده‌اند بدون دقت به این نکته که در هیچ کدام از منابع، تعداد کتیبه‌های میخی بر روی آرامگاه داریوش ۵ عدد دانسته نشده‌است. این تنها کد شناسایی کتیبه‌ها است که از DNa شروع می‌شود و به DNe (و اکنون DNf) ختم می‌شود. در حقیقت در این منابع از ۵ دسته از کتیبه‌ها یاد شده نه تعداد ۵ کتیبه! گویا نویسندگان مقاله سه نسخه کتیبه DNb، سه نسخه کتیبه DNc، به همراه کتیبه‌های DNd، DNb و ۳۰ کتیبه DNe را در مجموع ۵ کتیبه پنداشته‌اند! این بند هم با نام «رودریگور اشمیت» مزین شده‌است تا به خوانندگان نشان داده‌شود که نویسندگان مقاله حتی در نوشتن صحیح نام کوچک رودریگور اشمیت^۳ هم دچار اشتباه شده‌اند. ضمن اینکه در بخش منابع، از منبع مورد استفاده از این پژوهشگر یادی نشده‌است.

نویسندگان پس از دو بند توصیف مختصر مرتبط با کاوش‌های صورت گرفته در نقش رستم و توصیف آرامگاه (با ارجاع به اثر ایش اشمیت)، مجدداً به کتیبه‌های میخی آرامگاه داریوش اول بازگشته‌اند. در آغاز صفحه ۷۹۵ و هنگام اشاره به کتیبه DNa اینگونه آمده‌است: «پس از آن نسخه اکدی آن در ۳۶ در کنار نسخه ایلامی واقع شده است» (همان: ۷۹۶). از قلم افتادن واژه «سطر» پس از عدد ۳۶ خود نشانی دیگر از دستپاچگی در نوشتن است که موارد مشابه آن به‌وفور در این مقاله مشاهده می‌گردد که ناگزیر از درج آن خواهیم بود. پس از این بند در هنگام معرفی سنگ‌نبشته DNb نیز اینگونه آمده‌است: «سنگ‌نبشته DNb در دو سوی درب مرکزی قرار دارد...» (همان: ۷۹۶). که روش نامعمول نقطه‌گذاری است و در بند بعد از آن ارجاع به کتیبه DNC نیز اینگونه آمده‌است: «(لوکوک، ۱۳۸۶)،». به نظر می‌رسد نویسندگان قصد داشته‌اند شماره صفحه را نیز قید کنند اما فراموش کرده‌اند؛ علامت ویرگول بعد از سال ۱۳۸۶ نشانه چیزی جز این

3. Rüdiger Schmitt

نمی‌تواند باشد. همچنین در صفحه ۷۹۶، نویسندگان اشاره‌ای پراشتباه به کتیبه DNd و ترجمه آن کرده‌اند بدین ترتیب که کتیبه مذکور به قیاس با ترجمه کتیبه DNC در دو سطر بالاتر از آن (با ارجاع به لوکوک بدون درج شماره صفحه) به شکل «آسپچَن، تبرزین برداریوش شاه» ترجمه شده‌است. غیر از تلفظ اشتباه نام «آسپچَن»، افرادی که با کتیبه‌های هخامنشی در نقش رستم آشنایی دارند از این مسأله آگاهند که ساختار دستوری کتیبه DNd با کتیبه DNC تفاوت عمده‌ای دارد. در کتیبه DNC «گوپرو و نیزه‌بر داریوش شاه»^۴ است و در کتیبه DNd آسپچَن فردی است که «تیردان داریوش شاه را دارد»^۵. نویسندگان بدون توجه به این تفاوت نحوی در دو کتیبه، این مقایسه اشتباه را صورت داده‌اند. در کتیبه نویافته هم به همین ترتیب متن کتیبه به‌مانند کتیبه DNd با فعلی پایان می‌یابد که از نظر زمان، شخص و شمار با فعل کتیبه DNd مشابهت دارد. متنی گویا نویسندگان مقاله که تصمیم به نگارش یک مقاله تحلیلی در مورد ساختار کتیبه نویافته داشته‌اند به این موارد مهم توجهی نداشته و بیشتر تمرکز خود را صرف کتیبه نویافته، بدون توجه به باقی شواهد متنی از کتیبه‌های دیگر، نموده‌اند.

معرفی کتیبه DNe نیز با عجله و پرشتاب است: «سنگ‌نبشته (DNe I & XXX) متن کوتاه که به معرفی اورنگ‌بران می‌پردازد، تشکیل شده است» (همان: ۷۹۶). به کار نرفتن فعل «است» پس از عبارت «متن کوتاه» و جمله‌بندی نادرست «می‌پردازد، تشکیل شده است» خود از جمله ایرادهای پرشمار نگارشی در این مقاله است.

پس از این مطالب مقدماتی، نویسندگان در همان صفحه به کتیبه نویافته می‌پردازند و در همان ابتدا خوانندگان با واژه «نگارنده» مواجه می‌شوند و احتمالاً این پرسش در ذهنشان شکل می‌گیرد که مگر دو نفر این مقاله را نوشته‌اند؟ پس چرا از «نگارنده» و نه «نگارندگان» استفاده شده‌است؟ به کار بردن واژه «نگارنده» و برخی افعال اول شخص مفرد در

4. OP. d-a-r-y-v-h-u-š : x-š-a-y-θ-i-y-h-y-a : h-r-s-t-i-b-r
El. ^{DIS}da-ri-ja-ma-u-iš ^{DIS}EŠŠANA-na ^{GIS}si-ru-um ku-ik-ti-ra
Bab. na-šu-ú ^{GIS}az-ma-ru-ú šá ^mda-a-ri-ja-muš LUGAL
5. OP. d-a-r-y-v-h-u-š : x-š-a-y-θ-i-y-h-y-a : i-s-u-v-a-m : d-a-r-y-t-i-[-y]
El. ^{DIS}da-ri-ja-[-ma] ^{-[u-iš]} ^{DIS}EŠŠANA ^{AS}ap-te-e mar-ri-iš
Bab. šá ^mda-a-ri-ja-muš LUGAL ^{kuš}šal-tu [a-x]

می‌رسیم که بر طبق نوشته مندرج در مقاله نویسندگان مذکور، دو سال پس از رجوع دوباره «نگارنده» به کتیبه و ارسال تصاویر برای ارفعی است. بدین ترتیب یک خلأ زمانی دوساله میان این دو تاریخ وجود دارد.^۶ «نگارنده» در ادامه ادعا می‌کند که:

متأسفانه در مرکز اسناد پایگاه میراث جهانی تخت‌جمشید اسنادی در این باره یافت نشد. کما اینکه در دسترسی به این بخش از اسناد با دشواری زیادی روبرو شدیم. (همان: ۷۹۷)

جملاتی کاملاً متناقض که با خواندن آن مشخص نمی‌شود که بالاخره دسترسی به اسناد میسر گردیده است یا خیر! اگر بنا بر جمله نخست «نگارنده» نتوانسته تصاویر مربوط به پاکسازی سطح آرامگاه داریوش اول و تصاویر مرتبط با پاکسازی این کتیبه را در مرکز اسناد پایگاه میراث جهانی تخت‌جمشید بیابد، چرا راقم این سطور با اختصاص دادن کمتر از یک ساعت زمان توانست تمامی تصاویر مرتبط با کتیبه را در مرکز اسناد پیدا کند؟ اگر در جمله دوم معنای دست یافتن به اسناد مستتر است و «نگارنده» برای دسترسی به آنها با دشواری روبرو گردیده، پس جمله نخست به چه علت نوشته شده است؟

در بند بعدی نویسندگان حالت پیکره زیر کتیبه را، که دست چپ خود را جلوی دهان خود قرار داده، «حالت درودگویی» توصیف می‌کنند و این‌که دلیلی برای این تحلیل ارائه کنند. آیا به‌مانند آنچه در تحلیل و ترجمه فعل این کتیبه خواهیم دید براساس شواهدی نامشخص به این نتیجه رسیده‌اند یا توجهی به نظرات متعدد و متضاد پژوهشگران در مورد این حالت خاص داشته‌اند (نک. دلشاد و دورودی، ۱۳۹۹:

۶. البته می‌توان مسأله سال ۱۳۹۵ را بدین ترتیب حل نمود که در واقع این خانم خدیجه توتونچی بوده است که بنا بر اظهارات خود در این سال با تصویربرداری از آرامگاه‌های هخامنشی از وجود این کتیبه آگاه شده و با مراجعه به کارشناسان تلاش نموده تا شخصی را برای خوانش کتیبه مذکور بیابد که البته تلاش او، به‌عللی که برای نگارنده نامعلوم است، ناموفق بوده و احتمالاً برخی افراد از طریق پرس‌وجوی او در رابطه با این کتیبه، از وجود یک کتیبه خوانده‌نشده در آرامگاه داریوش مطلع شده‌اند. برای اطلاع بیشتر از این مسأله نک. مصاحبه خدیجه توتونچی با خبرگزاری ایسنا (تاریخ خبر: یکشنبه ۱۴ بهمن ۱۳۹۷؛ کد خبر: ۹۷۱۱۱۴۰۷۶۶۴؛ پیوند خبر در خبرگزاری ایسنا: <https://www.isna.ir/news/97111407664/>) و پاسخ دلشاد و دورودی به این خبر (تاریخ خبر: سه‌شنبه ۲۳ بهمن ۱۳۹۷؛ کد خبر: ۹۷۱۱۲۲۱۱۵۶۸؛ پیوند خبر در خبرگزاری ایسنا: <https://www.isna.ir/news/97112211568/>).

جای جای این مقاله نشان می‌دهد که گویا ایده نخستین نگارش این مقاله از آن یک نفر بوده و بعدها نام نفر دوم نیز بدان اضافه شده است. با این وجود، به‌علت شتاب در آماده‌سازی مقاله جهت انتشار و بی‌دقتی‌های مکرر، این موارد اصلاح نشده است. خوب است به متن این عبارت نظری افکنده‌شود:

نگارنده این مقاله در سال ۱۳۹۰ برای تهیه عکس از آرامگاه‌های نقش‌رستم برای پایان‌نامه‌ای با عنوان بررسی نقش‌مایه‌های به‌کاررفته در آرامگاه‌های هخامنشی و مقایسه آنها با نقوش برجسته کاخ‌های تخت‌جمشید از سنگ‌نبشته آگاه شد. (همان: ۷۹۶)

مشخص نیست پایان‌نامه یادشده از سوی «نگارنده» برای چه مقطعی و چه فردی بوده است که کار بر روی آن نهایتاً منجر گردیده تا او «در سال ۱۳۹۰ برای تهیه عکس از آرامگاه‌های نقش‌رستم» رهسپار آن مکان گردد و از وجود این کتیبه آگاه گردد، و در نهایت این پایان‌نامه در کجا دفاع شده است. آیا این پایان‌نامه «نگارنده» (که قاعدتاً باید ابراهیم روستایی فارسی باشد) است که باعث این کشف شده و یا پایان‌نامه مذکور متعلق به فرد دیگری است؟ داستان کشف به این صورت ادامه می‌یابد که:

نگارنده به سبب مشغله کاری تا سال ۱۳۹۳ مطالعه بر روی این سنگ‌نبشته را به‌بوته فراموشی سپرد و پس از آن موضوع را با ارفعی در میان گذاشته و تصاویر برای ایشان ارسال شد. (همان: ۷۹۶-۷۹۷)

این نکته عجیب که سه سال این کتیبه نویافته هخامنشی بر روی آرامگاه داریوش اول (یکی از مهم‌ترین بناهای عصر هخامنشی) در محوطه نقش‌رستم توسط «نگارنده» «به بوته فراموشی» سپرده شود به کنار، نکته مهم‌تر این است که به‌بوته فراموشی سپردن سه‌ساله و سپس ارسال تصاویر این کتیبه برای ارفعی با اطلاعات ارائه‌شده توسط ارفعی در نشست شیراز، که بالاتر ذکر شد، همخوانی ندارد. ارفعی در بخش پرسش و پاسخ این نشست، در تاریخ ۲۳ مرداد ۱۳۹۸، اعلام نمود که تصاویر این کتیبه سه سال پیش به دست وی رسیده است. با یک حساب سرانگشتی، وقتی سه سال را از زمان این پرسش و پاسخ در ۱۳۹۸ کسر کنیم به سال ۱۳۹۵

۲۴-۲۱؟ در این بخش نیز باز با ایرادهای نگارشی فاحشی مواجه می‌گردیم که خوب است با نقل مستقیم بر آن نظری افکنده‌شود:

بدین ترتیب سنگ‌نبشته مذکور که اینک معرفی می‌شود ب بخش f از سنگ‌نبشته‌های داریوش شاه در نقش رستم است. (همان: ۷۹۷)

ثبت حرف ربط «به» به صورت «ب» و به کار بردن نابجای فعل «است» به جای عبارت «تعلق دارد» و نظیر آن، از دیگر اشتباهات «نگارنده» است.

۲.۲. نقد و بررسی ترجمه و تحلیل کتیبه

در انتهای همین صفحه (ص ۷۹۷) چالش اصلی نویسندگان، یعنی آوانویسی و تجزیه و تحلیل متن کتیبه، شروع می‌شود. روش حرف‌نویسی و آوانویسی که در نسخه فارسی باستان این کتیبه توسط نویسندگان به کار برده شده به هیچ وجه با شیوه‌های معمول و حتی سنتی در حوزه کتیبه‌شناسی هخامنشی سنخیت ندارد. استفاده عجیب از ترکیب حروف بزرگ و کوچک در حرف‌نویسی و عدم رعایت نشانه‌هایی مانند قلاب و یا نیم قلاب که شکستگی‌ها و آسیب دیدگی‌های موجود در کتیبه را نشان می‌دهند از جمله موارد غیر قابل قبول در این شیوه حرف‌نویسی و آوانویسی نسخه فارسی باستان است. البته پس از مشاهده نسخه دیگری از این مقاله که به عنوان سند در نخستین رایانامه جعلی (نک. بالاتر) ضمیمه گردیده بود، مشخص شد که بخشی از این استفاده عجیب از ترکیب حروف بزرگ و کوچک در حرف‌نویسی ناشی از استفاده نگارندگان از قلم خط فارسی باستان در این نسخه بوده است. در مرحله بعد (یعنی حروف چینی این مجموعه مقالات) به علت تعجیل ویراستاران و دیگر همکاران فنی برای وارد نمودن این مقاله به مجموعه مذکور، به این نکته توجه نشده است که شکل این قلم تغییر کرده (نک. تصاویر ۱ و ۲). در آغاز صفحه ۷۹۸ نیز با جمله‌ای پرایراد مواجه می‌گردیم که هر اهل قلمی به راحتی مشوش بودن آن را در می‌یابد:

با توجه به سنگ‌نبشته‌های مشابهی که در آرامگاه داریوش مشاهده می‌شود که به معرفی دو تن از بزرگان عصر داریوش هخامنشی می‌پردازند.

جمله‌ای ناقص که با نقطه بسته شده است! و به جمله ناقص دیگری می‌پیوندد:

در ضمن قرار گرفتن این سنگ‌نبشته در بالای سر این بزرگ‌زاده اشاره به معرفی این شخص دارد. (همان: ۷۹۸)

در بند دوم همان صفحه (ص ۷۹۸)، نویسندگان در تلاشند تا ساختار متن را بدین ترتیب بازسازی کنند:

ابتدای هر متن (پارسی باستان، ایلامی و بابلی) سنگ‌نبشته DNF احتمالاً اشاره به نام این فرد دارد و پس از آن می‌توان نام داریوش شاه را مشاهده کرد. در آخر هر متن نیز با توجه به متن‌های دیگر می‌بایست به لقب و یا منصب آن شخص اشاره شده باشد.

جدا از اینکه این شیوه تحلیل، ناشی از سطحی‌نگری و عدم درک و تحلیل مناسب ساختار کتیبه‌هایی مانند DNd است (نک. بالا)، با توجه به این توضیحات می‌بایست انتظار داشته باشیم که «لقب یا منصب» در انتهای کتیبه آمده باشد. چند سطر پایین‌تر نویسندگان تأکید می‌کنند:

از آنجایی که ابتدای سطرها شکسته شده است تنها و تنها می‌توان بر باقی مانده سنگ‌نبشته تکیه کرد... (همان، ۷۹۸)

بنابراین باقیمانده نخستین واژه از سطر نخست یعنی «شووریش»:

می‌تواند همانند بخش دوم واژه واژه پتی شووریش باشد که سنگ‌نبشته DNc پس از نام گئورو آمده است. (همان، ۷۹۸)

نکات قابل ذکر این جمله یکی این است که نویسندگان عنوان پاتیشووریش را به شکل اشتباه «پتی شووریش» در کل مقاله تکرار کرده‌اند. نکته دوم باز هم وجود ایرادات نگارشی از قبیل تکرار «واژه» عدم درج حرف «در» پیش از «سنگ‌نبشته DNc» است که خواننده را به این اشتباه می‌اندازد که لابد «DNc» پس از نام گئورو آمده است! اکنون به ادامه همین متن پردازیم که نویسندگان اینگونه نوشته‌اند:

نکته نخست آن که نمی‌توانم مطمئن شد که... شووریش به واژه پتی شووریش سنگ‌نبشته DNc اشاره دارد. (همانجا)

عبارت «نمی‌توانم مطمئن شد» حتی اگر از یک نویسنده خبر بدهد، جمله‌ای بیمار است. با این حال و با چشم‌پوشی

بخش اضافه نمود. گویا نویسندگان از این امر بدیهی در حرف‌نویسی نسخه فارسی باستان کتیبه‌های هخامنشی اطلاع نداشته‌اند که در اسلوب حرف‌نویسی «XŠ» نشان‌دهنده نشانه واژه‌نگار شاه (xšāyaθiyahyā) است و «XŠayaθiyahā» که ایشان نوشته‌اند می‌تواند بدین شکل تعبیر شود که واژه شاه در این کتیبه ترکیبی از واژه‌نگار «XŠ» و مکمل «ayaθiyahā» است که البته در این کتیبه به هیچ وجه صحیح نیست.

آخرین نکته دستوری در باب نسخه فارسی باستان کتیبه نویافته مربوط به واژه آخر سطر دوم است که پیشتر نویسندگان احتمال می‌دادند «می‌بایست به لقب و یا منصب آن شخص اشاره شده باشد» و پیشتر از آن از «حالت درودگویی» پیکره خبر می‌دادند:

پس از واژه شاه در سطر دوم واژه‌ای آمده است که با به دست آوردن معنای آن می‌توان گره از این سنگ‌نبشته باز کرد.

گویا نویسندگان مقاله بدون توجه به سایر مسائل مطرح‌شده در بخش‌های پیشین، فکر می‌کنند که تنها بخش مسأله‌دار کتیبه همین واژه است و امید دارند با حل نمودن این مسأله، «گره از این کتیبه» باز شود!

متأسفانه به سبب آسیبی که در سنگ‌نبشته ایجاد شده است نمی‌توان مطمئن شد که این یک واژه کامل است یا خیر. (همانجا)

این جمله نشان می‌دهد که توجه نویسندگان تنها به آسیب واردشده به این بخش از کتیبه است، نه به اینکه این واژه چیست و در ساختار کتیبه چه نقشی ایفا می‌کند. به نظر می‌رسد که نویسندگان از تحلیل این واژه ناتوان مانده‌اند و بدون توصیف دقیق از مشکلات بررسی این بخش از کتیبه، صرفاً با جمله کوتاه «واژه مذکور اَفَر... آتیی (-atai...afara ya) است» ناتوانی خود از ارائه تحلیل و حتی حرف‌نویسی صحیح این بخش از کتیبه را نشان داده‌اند. در سطر بعدی ترجمه کتیبه به شکل «...شووریش به داریوش شاه آفرین کرد؟» را به «گفتگوی شخصی با دکتر سیروس نصرالله‌زاده» (همان: ۷۹۸، پانویس ۱) نسبت می‌دهند و سعی می‌کنند بر پایه این ترجمه، احتمال دیگر، یعنی «...شووریش به داریوش

از این ایراد، حتی با در نظر گرفتن مفهوم جمله باز هم متوجه می‌گردیم که یکی از نویسندگان، که مشخص نیست دقیقاً چه کسی است، نمی‌تواند مطمئن بشود که گفته‌های بالاتر در این مقاله مبنی بر شباهت ساختاری این سه کتیبه با هم در این مورد درست باشد.

نکته دوم این مقاله در باب تحلیل زبانی نسخه فارسی باستان در ادامه این سطور نهفته است:

پس این واژه در سطر نخست نام داریوش آمده که قسمت پایانی آن (š) در سطر دوم قرار می‌گرفته است. سطر دوم متن پارسی باستان با hayā آغاز می‌شود. این بدان معناست که واژه شاه که پس از واژه داریوش می‌آید می‌بایست در حالت اضافه مفرد (Génitif) باشد.

مشخص نیست که به چه علت «š» در داخل پراتنز قرار گرفته است. اگر منظور نویسندگان آن بوده که این نشانه از بین رفته است، پس باید درون قلاب قرار می‌گرفت. نویسندگان به این نکته واضح اشاره ننموده‌اند که نام داریوش در این کتیبه در حالت اضافی-برایی، شمار مفرد و جنس مذکر است و بدین خاطر است که در انتهای سطر اول نشانه «h» درج شده و پس از آن نیز می‌بایست در ابتدای سطر دوم (در بخش از بین رفته کتیبه) نشانه «š» وجود داشته باشد. بنابراین داریوش شاه نیز در حالت اضافی-برایی در شمار مفرد و جنس مذکر (xšāyaθiyahyā) نوشته شده است. نویسندگان برای پشتیبانی از نظر خود در مورد «حالت اضافه مفرد» در واژه شاه به دو منبع «شارپ، ۱۳۸۲، ۱۶۰ و همچنین Kent, 1953» ارجاع می‌دهند. فارغ از اینکه چگونه می‌شود در مورد صرف یک واژه به یک کتاب مفصل مانند کنت بدون شماره صفحه ارجاع داد، نفس این عمل یعنی ارجاع به یک یا دو منبع برای یک مطلب بسیار اساسی مانند حالت صرفی و شمار و جنس یک واژه پریسامد، مانند شاه، در کتیبه‌های فارسی باستان، می‌تواند آشنایی نویسندگان با اصول مقدماتی مطالعات فارسی باستان را زیر سؤال ببرد. اینکه نویسندگان بدون هیچ توضیحی یک «Génitif» هم به انتهای جمله اضافه نموده‌اند را هم باید به حساب نکات متعدد و غریب این مقاله گذاشت. همچنین بازسازی نویسندگان از واژه شاه به شکل عجیب «XŠayaθiyahā» را نیز باید به اشتباهات موجود در این

شاه احترام گذاشت» را پیشنهاد بدهند. اینکه نویسندگان چگونه به ترجمه «آفرین کردن» و یا «احترام گذاشتن» رسیده‌اند مبهم است. اینکه نویسندگان چگونه در توصیف پیکره زیر کتیبه از «حالت درودگویی» استفاده کرده‌اند نیز محل پرسش و تردید است. تنها توضیح اضافی که نویسندگان در پایان بخش فارسی باستان ارائه می‌دهند بدین ترتیب است: در این ترجمه از واژه *apariyāya* به معنای احترام گذاشتن که نزدیک به واژه *afara..ataiya* است بهره برده شد.

منبع بهره‌برداری نویسندگان در تحلیل این بخش مشخص نیست. آیا این بخش نیز همچنان بر پایه «گفتگوی شخصی با دکتر سیروس نصرالله‌زاده» است یا نظر نویسندگان است؟ حتی نویسندگان ننوشته‌اند که این واژه از چه نوعی است. ما در اینجا با فعل سروکار داریم یا صفت یا قید و یا اسم؟ اگر فعل است، بخش‌های حفظ‌شده این فعل چه اجزایی را نشان می‌دهند؟ آیا پیشوند فعلی مشخص است؟ زمان و شخص و شمار فعل باقی مانده است یا خیر؟ همچنین برای نگارنده مشخص نیست که «*apariyāya*» از چه زبانی و از کدام متن آمده است. مشخص نیست که چگونه این فعل مبهم «معنای احترام گذاشتن» دارد و چگونه «نزدیک به واژه *afara..ataiya* است». بد نیست به این نکته هم اشاره گردد که قلمی که در پانویس مذکور، یعنی «گفتگوی شخصی با دکتر سیروس نصرالله‌زاده»، استفاده شده با قلم استفاده‌شده در دیگر پانویس‌های مجموعه مقالات این همایش تفاوت دارد.

بخش نخست از صفحه ۷۹۹ به تحلیل نسخه عیلامی هخامنشی کتیبه Dn^f اختصاص یافته است. با توجه به اینکه یکی از نویسندگان، عبدالمجید ارفعی، از پیش کسوتان مطالعات عیلامی و اکدی در ایران است، انتظار داریم که این بخش و همچنین سطر چهارم کتیبه که نسخه بابلی هخامنشی را در بر دارد، برخلاف بخش فارسی باستان، پر از تحلیل‌های ممتاز و آموزنده باشد.

نویسندگان در حرف‌نویسی سطر سوم (یعنی نسخه عیلامی هخامنشی) مرتکب دو اشتباه شده‌اند: یکی شیوه حرف‌نویسی خارج از عرف کتیبه‌شناسی است که در آن مشخص نشده که ابتدای سطر از بین رفته است و نشانه نخستین «*iš*» در حقیقت، بازمانده بخش آسیب‌دیده کتیبه است؛ دوم در

حرف‌نویسی نشانه پس از «*ir*» و پیش از «*na*» است. این نشانه در بخش حرف‌نویسی به شکل «*ma*» نوشته شده و در سطر پایین‌تر به شکل «*me*». مشخص نیست نویسندگان به چه علت این نشانه را «*ma*» تشخیص داده‌اند، در حالی که در سطر پایین‌تر باز از «*me*» استفاده کرده‌اند. لازم به توضیح است که نشانه‌های «*ma*» و «*me*» در عیلامی هخامنشی به هیچ وجه شباهتی به یکدیگر ندارند و تشخیص این دو از یکدیگر برای متخصصین این حوزه کار ساده‌ای است. باز هم مشخص نیست که چرا تمامی نشانه‌های پس از «*sunki*» بدین شکل «*v sunki-ir-ma-na-ma-ak*» به یکدیگر متصل شده‌اند. آیا نویسندگان این قسمت از کتیبه را یک واژه می‌دانند؟ اگر تمام این بخش به شکلی که حرف‌نویسی شده یک واژه است چطور در سطر بعدی به سه بخش «*sunki*»^v «*irmena mak*»^(?) تقسیم شده و پایین‌تر تحلیل شده است؟ در بخش تحلیل این نسخه، نویسندگان پاسخ برخی از پرسش‌ها را به سبک خود (یعنی منقطع و بدون استدلال کافی و گاه اشتباه) داده‌اند. برای مثال در مورد نشانه «*iš*» در ابتدای بخش حفظ‌شده سطر سوم به این توضیح اکتفا نموده‌اند:

به احتمال فراوان با توجه به سنگ‌نبشته Dn^c از واژه *šummarīš*... تنها *iš* آن باقی مانده است. (همان: ۷۹۹)

این توضیح مختصر و ناکافی تناقض زیادی با توضیح همین بخش در نسخه فارسی باستان (همان، ۷۹۸) دارد که نویسندگان نوشته‌اند:

نکته نخست آن که نمی‌توانم مطمئن شد که... شووریش به واژه پتی شووریش سنگ‌نبشته Dn^c اشاره دارد. (همان: ۷۹۸)

اگر یکی از نویسندگان نمی‌تواند مطمئن باشد که آن واژه در نسخه فارسی باستان به واژه پاتیشووریش در کتیبه Dn^c اشاره می‌کند پس چطور در صفحه بعد از آن برای توضیح نشانه «*iš*» در ابتدای بخش حفظ‌شده سطر سوم، این نشانه را «به احتمال فراوان» باقی مانده همان واژه موجود در Dn^c می‌داند؟

در تحلیل بخش «*ir-ma-na-ma-ak*» نیز نویسندگان به سادگی دو احتمال «*irme namak*» و «*irmena mak*» را مطرح کرده‌اند و بدون اینکه ابتدا تکلیف تناقض موجود در حرف‌نویسی نشانه «*ma*» و آوانویسی آن به شکل «*me*» را

آیا این امر صحت دارد؟ نگاهی به تصاویر منتشرشده در پایان نسخه منتشرشده مقاله می‌اندازیم. در صفحه ۸۰۲ دو تصویر (به ترتیب از بالا به پایین تصویر ۵ و تصویر ۴) منتشر شده‌اند. غیر از این ایراد که تصویر ۴ در پایین صفحه ۸۰۲ می‌بایست در واقع تصویر ۶ باشد (تصویر ۴ در صفحه ۸۰۱ منتشر شده‌است)، این تصاویر به شکلی منتشر شده‌اند که عملاً نمی‌توان هیچ نشانه‌ای را در هیچ سطری تشخیص داد و خوانندگان مجبورند به چشمان نویسندگان و توانایی آن‌ها در خوانش درست کتیبه اعتماد کنند (نک. تصویر شماره ۵ه). اینکه با همین تصاویر نویسندگان چگونه توانسته‌اند سطور اول تا سوم را بخوانند ولی از دیدن حداقل بخشی از سطر چهارم عاجز مانده‌اند نیز جای پرسش دارد. خوشبختانه با دیدن نسخه دیگری از مقاله نگارندگان که به پیوست نخستین رایانامه ارسال شده بود (نک. بالاتر) و بررسی دقیق‌تر جزئیات تصویر مذکور در این نسخه (نک. تصویر شماره چهار)، مشخص گردید که در اصل تمامی خط چهارم که حاوی نسخه بابلی هخامنشی است با تمامی جزئیات برای نویسندگان مقاله مذکور قابل رؤیت، خواندن و تحلیل بوده‌است (بسنجید با تصویر شماره پنج که توسط نگارنده و مجتبی دورودی برای خواندن و تحلیل استفاده شد و بخش‌های پوشیده‌شده نسخه بابلی هخامنشی توسط پیکره). بنابراین آنچه روستایی فارسی و ارفعی درباره نسخه بابلی هخامنشی طرح کرده‌اند به کلی مردود است.

در مقایسه این تصویر با تصاویری که توسط آقایان محمدعلی مصلی‌نژاد و مجتبی دورودی از زاویه تندیتری نسبت به تصویر پایانی مقاله روستایی فارسی و ارفعی گرفته شده‌است (تصویر شماره پنج)، تنها بخش دوم نام داریوش و بخش نخست واژه شاه دیده‌ نمی‌شود که آن هم با اندکی آشنایی با نسخه بابلی هخامنشی کتیبه‌های شاهی کاملاً قابل بازسازی و تحلیل است. در نتیجه این پرسش بزرگ درباره نسخه بابلی هخامنشی مطرح است که چرا نویسندگان نتوانسته‌اند حداقل بخشی از سطر چهارم کتیبه را بخوانند و تحلیل نمایند. در غیاب این تحلیل (به‌خصوص فعل موجود در نسخه بابلی هخامنشی) و بدون تحلیل مناسب فعل عیلامی هخامنشی و فارسی باستان، نویسندگان چگونه به ترجمه فعل به شکل «آفرین کردن» و «احترام گذاشتن» رسیده‌اند؟

مشخص کنند، یکر است به تحلیل «واژه آخر این متن»، یعنی «irmena mak»، به شکل فعل مجهول از باب II با ارجاع به «ارفعی، ۱۳۸۷، ۳۲-۲۳» می‌پردازند. معلوم نیست کدام بخش از این عبارت فعل مجهول است. آیا هر دو واژه یک عبارت فعلی را تشکیل می‌دهند؟ یا تنها یک واژه از این عبارت فعل است؟ اگر احتمال دوم مد نظر نویسندگان مقاله باشد پس تکلیف واژه دیگر چه می‌شود؟ این فعل بر مبنای چه ستاک فعلی ساخته شده و به چه معنایی است؟

در حالی که عبدالمجید ارفعی یکی از دو نویسنده مقاله معرفی شده‌است، مشخص نیست به چه علت بدین شکل به کار ارفعی ارجاع داده شده‌است. مگر نه اینکه ارفعی خود توانایی تجزیه و تحلیل و اجتهاد متون عیلامی را دارد؟ دیگر چه نیازی به ارجاع به یک بخش کلی از دستور زبان عیلامی هخامنشی وجود دارد؟ جالب اینکه ارجاع پایان‌متنی به اثر ارفعی به گونه‌ای درج شده که با دیگر ارجاعات در همین مقاله متفاوت است (نک. همان: ۸۰۳). اگر بپذیریم که عبدالمجید ارفعی از دست‌اندرکاران نوشتن یا تصحیح متن این مقاله بوده، پس چرا این بخش از کتیبه که اتفاقاً تخصص اوست به این شکل پراشتباه و مختصر با یک ارجاع مبهم نوشته شده‌است؟

پرسش پایانی در باب متن کتیبه این است که بخش بابلی هخامنشی کتیبه، یعنی سطر چهارم، چه شد؟ شاید پاسخ این پرسش را در بخش نتیجه‌گیری پیدا کنیم:

رونوشت اکدی سنگ‌نبشته DNF راه‌گشای بسیاری از ابهامات در این باره خواهد. (همان: ۷۹۹)

در پایان این جمله هم باز فعل مناسبی نمی‌بینیم. نویسندگان البته به این امر توجه نکرده‌اند که در صفحه قبل در تحلیل بخش پایانی نسخه فارسی باستان کتیبه، حل معمای این کتیبه را در گرو به‌دست آوردن معنای این بخش دانسته‌بودند. اما علت اینکه سطر چهارم کتیبه در این مقاله بررسی نشده‌است را در جمله بعد می‌توان دید:

اما به سبب قرارگیری این رونوشت درست در بالای سر نقش برجسته تهیه تصویر خوب از آن منوط به قرارگیری در روبروی سنگ‌نبشته یا استفاده از تجهیزات مدرن عکاسی است.

۳.۲. نگاهی به بخش منابع

با توجه به ایرادها و آشفتگی‌های پرشمار موجود در متن مقاله، هیچ دور از انتظار نیست که حتی در بخش کوچک منابع هم ایرادها و آشفتگی‌های بسیاری ببینیم. برای مثال در همان ابتدا (منبع شماره ۱) می‌بینیم که برخلاف دیگر منابع، سال انتشار یعنی «۱۳۸۷» در آخر اطلاعات آن منبع درج شده است. یا در منبع شماره ۲ نام کوچک شارپ به اشتباه «رولف» (به جای رَلف) نوشته شده است. در منابع انگلیسی هم آشفتگی‌های بسیاری مشاهده می‌شود. به طور مثال مشخص نیست منابع شماره ۵ و ۶ از کمرون و هلک به چه منظوری نوشته شده‌اند، به عبارت دیگر در متن مقاله به این دو منبع ارجاعی وجود ندارد. غیر از صفحات ۷۹۴ و ۷۹۵ که به طور کلی به افرادی چون «کمرون، هلک» در رابطه با کتیبه‌های نقش رستم، بدون هیچ گونه جزئیاتی، اشاره شده است. برای نگارنده مشخص نیست که هدف از نوشتن این دو منبع (که در مورد الواح بایگانی بارو و خزانه تخت جمشید هستند) چه بوده و آیا نویسندگان مقاله از بخش واژه‌نامه این دو کتاب برای توضیح نسخه عیلامی هخامنشی کتیبه استفاده کرده‌اند یا نام بردن از این دو منبع تنها با هدف پر کردن بخش منابع بوده است. اگر هدف نویسندگان از درج این دو منبع استفاده از واژه‌نامه‌های این دو کتاب و یا فهرست نشانه‌های مندرج در آنهاست، پس چرا در متن مقاله ارجاع دقیقی به این دو منبع دیده نمی‌شود؟

منبع شماره ۷ نیز قابل توجه است. این منبع، بنا بر ارجاع درون متنی، باید جلد سوم کتاب اشمیت (۱۹۷۰) باشد. ولی در این بخش در جلوی نام اشمیت «۱۹۵۷» درج شده که سال انتشار جلد دوم کتاب وی در مورد کاوش‌های خزانه تخت جمشید است. علاوه بر این، عنوان کتاب نیز بدین شکل عجیب و پرایراد نوشته شده است:

persepolis III, THE ROYAL TOMBS AND OTHER MONUMENTS

برخلاف دو منبع دیگر، شکل نوشتن محل انتشار به صورت «The university of Chicago press Chicago, Illinois» پازل آشفتگی و عجله در تولید این مقاله و تعجیل مضاعف ویراستاران مجموعه مقالات همایش یادشده در بازبینی و ویرایش آن را کامل می‌کند. منبع شماره ۸ نیز همچون منابع بالا

به شکل ناقص (بدون عنوان کامل و بدون اشاره به ویرایش دوم)^۷ نوشته شده تا این مقاله حتی در آخرین صفحه و آخرین سطر هم از تعجیل و نقص و اشتباه نویسندگان در امان نماند.

۳- متن کتیبه

حال که به ایرادات این مقاله اشاره شد، مهم است که به محتوای کتیبه نیز نظری اجمالی افکنده شود. همانطور که در دو مقاله مورد اشاره در بالا درج شده، این کتیبه در چهار سطر و سه زبان (به ترتیب سطرهای اول و دوم به زبان و خط فارسی باستان، سطر سوم به زبان و خط عیلامی هخامنشی، و سطر چهارم به زبان و خط بابلی هخامنشی) نوشته شده است.

محتوای این کتیبه ذکر نام و عنوان فرد زیر این کتیبه (پیکره نقش بسته در گوشه زبرین سمت راست آرامگاه) و توصیف عمل او به سمت و یا در مقابل داریوش شاه است. به علت آسیب دیدگی نام فرد قابل بازیابی نیست. هرچند اشمیت (Schmitt, 2019: 45) نام اُتانیس (اوتانه در فارسی باستان) را به عنوان یک فرضیه پیشنهاد داده است (نک. دلشاد و دورودی، ۱۳۹۹: ۱۰، ۱۴، ۱۷). از بقایای عنوان فرد در هر سه نسخه، می‌توانیم عنوان وی را به شکل پاتیشووریش (*pātišuvāriš) بازسازی کنیم (نک. همان: ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۱۷).

بخش سوم کتیبه حاوی دو واژه «داریوش شاه» است که براساس حالت صرفی این دو واژه در فارسی باستان (اضافی-برای، مفرد، مذکر)، احتمالاً ضمیر بازیافتی سوم شخص مفرد جاندار پس از این دو واژه در نسخه عیلامی هخامنشی و حرف اضافه *ana* در نسخه بابلی هخامنشی (نک. همان: ۱۰، ۱۵، ۱۶) در پیش از این دو واژه می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که فرد مورد نظر «به/ برای» داریوش شاه فعلی را انجام می‌دهد. نکته مهم کتیبه، تحلیل فعل استفاده شده در هر سه نسخه آن است. همانطور که بالاتر اشاره شد، با تکیه صرف بر نسخه فارسی باستان (به علت آسیب دیدگی بخشی از کتیبه که قسمت مهمی از ریشه فعل فارسی باستان را در بردارد) نمی‌توان در مورد این فعل به صورت دقیق اظهار نظر نمود. با توجه به ابهامات موجود در فعل عیلامی هخامنشی (نک. همان: ۱۵-۱۶ و پانیس ۲)، نقطه آغاز تحلیل فعل در نسخه بابلی هخامنشی است (نک.

۷. ویرایش نخست کتاب کنت متعلق به سال ۱۹۵۰ است.

روستایی فارسی) و یا ۱۳۹۵ (بنا بر گفته ارفعی) با متن این کتیبه درگیر بوده‌اند. حتی شکل نگارش مقاله و اشتباهات و نواقص آن می‌تواند ناقض ادعای یکی از نویسندگان مقاله و یکی از دبیران همایش مذکور باشد که چکیده این مقاله در سال ۱۳۹۶ به دبیرخانه همایش ارائه و تأیید شده و متن آن، بنا بر قاعده، پس از ویرایش و بازبینی در زمان مقتضی و معمول، برای چاپ نهایی آماده شده‌است. روش بررسی فعل (در غیاب نسخه بابلی هخامنشی و ابهامات در نسخه عیلامی هخامنشی)، با ارجاع به یک گفت‌وگوی شفاهی، به‌دور از هر گونه استاندارد علمی است و مشخص نیست نویسندگان مقاله چگونه به ترجمه کتیبه بدین شکل رسیده‌اند. ضمن اینکه مشخص نیست نقش عبدالمجید ارفعی در این مقاله تا چه اندازه بوده‌است، چرا که علی‌رغم گفته او (نک. بالاتر) مبنی بر خواندن نسخه عیلامی هخامنشی و بابلی هخامنشی و برخلاف کامل بودن تصویر استفاده‌شده در مقاله در هر دو بخش کتیبه، نسخه عیلامی هخامنشی به شکلی پراشتباه و ضعیف تحلیل شده و روشن نیست به چه علت نسخه بابلی هخامنشی در مقاله منتشر نشده‌است.

موضوع دیگر این است که مقاله ضمیمه‌شده به نخستین رایانامه جعلی از چه طریقی به‌دست نویسندگان مجهول‌الهویه آن رایانامه‌ها رسیده‌است؟ آیا نویسنده/ نویسندگان مقاله مذکور در نوشتن آن رایانامه‌های حاوی اتهامات متعدد اخلاقی به نگارنده و آقای مجتبی دورودی مشارکت داشته‌اند؟ یا این نسخه از مقاله به شکل دیگری، که برای نگارنده مشخص نیست، به دست آن اتهام‌زنندگان هتاک رسیده‌است؟

در پایان، نگارنده از نویسندگان مقاله و افرادی که عامل یا محرک نوشتن آن هرزنامه‌ها بوده‌اند یا در نگارش آن هرزنامه‌ها مشارکت داشته‌اند، می‌خواهد که نقدهای خود و اسناد مرتبط با حقانیت ادعاهای طرح‌شده، مبنی بر سرقت علمی نگارنده و آقای مجتبی دورودی، را با نام رسمی خود منتشر نمایند.

منابع

– دلشاد، سپهر و مجتبی دورودی (۱۳۹۹). «کتیبه‌ای در سایه کتیبه نوپاکه هخامنشی موسوم به DNf». زبان‌ها و

همان: ۱۷-۲۰). با اینکه شیوه نگارشی فعل بابلی هخامنشی کمی دور از انتظار است (استفاده از نشانه «GA» به‌جای نشانه معمول «KA»، شکسته‌نویسی هجای دوم فعل، یعنی «GA-ir»، به‌جای «GA-ar»، و وجود واژه معلق در نشانه «bi»)، اما در حال حاضر خوانش و تحلیل فعل بابلی هخامنشی محکم‌ترین پایه برای تحلیل فعل فارسی باستان و عیلامی هخامنشی است. بدین ترتیب با فرض محتمل‌تر بودن خوانش فعل بابلی هخامنشی به‌صورت «i-kà-ir-ra-bi» و تحلیل و ترجمه آن به‌صورت فعل سوم‌شخص مفرد مذکر از ستاک پایه‌ای «karābu»، به‌معنی «دعای خیر کردن، متبرک کردن، تقدیس کردن»، و بر پایه آن خوانش و تحلیل فعل فارسی باستان به‌صورت «a-f-r-[n]-a-t-i-y (āfār/rnāti)» (فعل مضارع اخباری، در شمار سوم‌شخص مفرد از ستاک مضارع (āfār/rn-) به‌معنی «آفرین کردن» (بسنجید با نظر اشمیت در مورد خوانش و تحلیل این فعل به صورت «a-f-r-[y]-a-t-i-y (āfayāti)» به‌معنی «به‌سوی... پیش می‌رود»؛ Schmitt, 2019: 47-48) و خوانش و تحلیل فعل عیلامی هخامنشی به‌صورت «ir me-na-ma-ak» (ضمیر بازیافتی سوم‌شخص مفرد جاندار + ir صرف Ilm مفرد از فعل احتمالی *mena-) به‌معنی احتمالی «برای... دعا می‌کند، طلب یاری می‌کند»، خواهد بود. براساس تحلیل مطرح‌شده خوانش و ترجمه کل کتیبه بدین ترتیب خواهد بود:

1. [+ - + - + (-): p-a-t-i]-š-u-v-r-i-š : d-ʾa-r-y-v-h-u-
2. [š : x-š-a-y-θ-i-y]-h-y-a : a-f-r-[n]-a-t-i-y
3. [Dišx-x(-x) Dišba-ut-ti-iš-mar-ri]-iš Dišda-ri-ia-ma-u-
iš DišEŠŠANA-ir me-na-ma-ak
4. [mʰx-x(-x) LUGAL pa-id-di-iš-ḥu]-ri-iš ʾa-ʾ-naʾ mda-a-ri-ja-
muš

[...] «پاتیشوَریش» برای داریوش شاه دعای خیر طلب می‌کند/ به داریوش شاه آفرین می‌کند.

۴. سخن پایانی

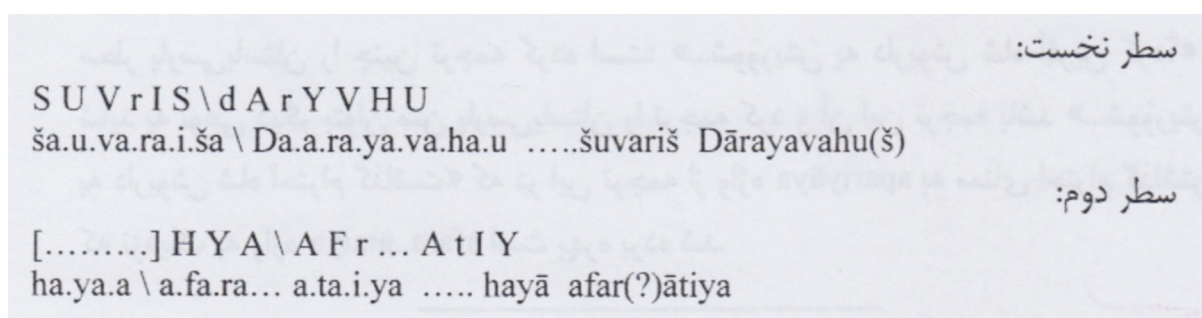
همه شواهد بحث‌شده در این نقد مختصر نشان می‌دهد که مقاله مورد نقد با تعجیل، بی‌دقتی و اشتباهات و نواقص بسیار منتشر شده‌است. به هیچ وجه از متن این مقاله استنباط نمی‌شود که نویسندگان مقاله از سال ۱۳۹۳ (بنابر ادعای

همایش بین‌المللی تاریخی فرهنگی جنوب ایران (فارس تاریخی). به‌اهتمام مجید دهقانی، غلامرضا خوش‌اقبال (شیراز-آذر ۱۳۹۶). ج. ۱. شیراز: برازمان. ص ۲۷۳-۲۸۴.

- DELSHAD, S. & M. DOROODI (2019). "DNf: A New Inscription Emerges from the Shadow". *ARTA*, 2019.001: pp. 1-18.
- SCHMITT, R. (2019). "Überlegungen zu Zwei Neuen Altpersischen Inschriften (Phanagoreia, Naqš-i Rostam)". *Nartamongae. The Journal of Alano-Osetic Studies: Epic, Mythology & Language*, XIV (No. 1,2): pp. 34-49.

گویش‌های ایرانی (ویژه‌نامه‌نامه فرهنگستان)، ش ۱۱: ص ۲۸-۳.

- روستایی فارسی، ابراهیم و عبدالمجید ارفعی (۱۳۹۷). «سنگ‌نبشته‌ای نو یافته در آرامگاه داریوش بزرگ در نقش رستم (DNf)». در: مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی تاریخی فرهنگی جنوب ایران (فارس تاریخی). به‌اهتمام مجید دهقانی، غلامرضا خوش‌اقبال (شیراز-آذر ۱۳۹۶). ج. ۱. شیراز: برازمان. ص ۷۹۴-۸۰۳.
- مرادی، حسن و ابراهیم روستایی فارسی (۱۳۹۷). «راه سنگ‌فرش هفت تاقی (گرگی) میان روستاهای گودرز شک و شیخ عبود در دشت بیضاء». در: مجموعه مقالات نخستین



تصویر ۱: حرف‌نویسی سطور نخست و دوم (فارسی باستان) در نسخه منتشرشده (روستایی فارسی و ارفعی، ۱۳۹۷: ۷۹۷)

سطر نخست:

..... ša.u.va.ra.i.ša \ Da.a.ra.ya.va.ha.ušuvariš Dārayavahu(š)

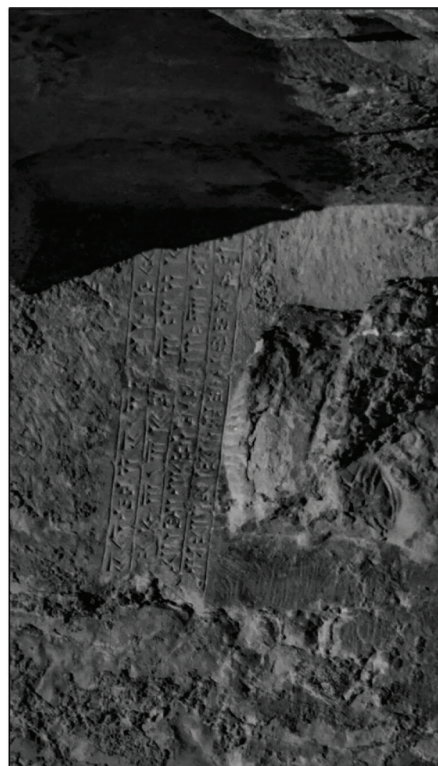
سطر دوم:

[.....] ha.ya.a \ a.fa.ra... a.ta.i.ya hayā afar(?)ātiya

تصویر ۲: حرف‌نویسی سطور نخست و دوم (فارسی باستان) در نسخه دیگری از این مقاله که به‌عنوان سند سرقت علمی نگارنده (سهیل دلشاد) و مجتبی دورودی با رایانامه جعلی به اساتید داخلی و خارجی ارسال شده است (به تفاوت حرف‌نویسی، یعنی از استفاده از قلم خط میخی در صفحات ۲ و ۳ این نسخه از مقاله، با نسخه منتشرشده توجه نمایید).



تصویر ۳: یکی از تصاویر کتیبه‌نو یافته در نسخه منتشر شده (روستایی فارسی و ارفعی، ۱۳۹۷: ۸۰۴)



تصویر ۴: سنگ‌نبشته DNF (عکس از نگارنده)

تصویر ۴: تصویر کتیبه در نسخه دیگری از مقاله که به عنوان سند سرقت علمی نگارنده (سهیل دلشاد) و مجتبی دورودی با زبانه‌جلی به اساتید داخلی و خارجی ارسال شده است (در اینجا نسخه بابلی هخامنشی هم کاملاً قابل خواندن و تحلیل است).



تصویر ۵: تصویر تهیه شده توسط محمدعلی مصلی‌نژاد و مجتبی دورودی از سطح زمین در تاریخ اول آبان ۱۳۹۷ (در این تصویر با وجود اینکه پوشش سر پیکره بخشی از نسخه بابلی هخامنشی را پوشانده، ولی هم بخش پنهان از کتیبه قابل حدس زدن است و هم فعل بابلی هخامنشی کاملاً مشخص است).

Table of Contents

Editorial

Cultural diplomacy and the written heritage	3-5
---	-----

Articles

Nizām-i Ta'rifā / Ali Ashraf SADEGHI.....	6-7
An introduction of three old sources of the <i>Rubā'īyyāt</i> of Khayyām / Seyyed Ali MIRAFZALI	8-13
<i>Sipīd-Muhra</i> and <i>Shankha</i> / Ali SAFARI AQ-QALEH	14-17
A few points and some words considering <i>Mawāhib-i Ilāhī</i> of Mu'tin ul-Dīn-i Yazdī / Ahmad BEHNAMI	18-21
Some remarks on several of Manūchihri-yi Dāmghānī's patrons / Raziye ABADIYAN.....	22-27
Editing a couplet of Ṭayyān-i Marghzi / Mohsen AHMADVANDI.....	28-30
Dust in my Mouth (I should not speak in such a manner): on the origin of an idiom / Wilhelm BACHER; Translated by Sepas RIVANDI	31-33

Reviews and Critiques

A look into <i>Persian Literary Influence on English Literature</i> / Majdoddin KEYVANI	34-49
A review of <i>Dīvān of Azraqī-ye Heravī</i> / Majdoddin KEYVANI	50-54
Some remarks on <i>A Fragment of an Old Exegesis in Persian</i> / Masoud QASEMI	55-64
Some remarks on <i>An Interpretation of the Holy Qur'ān</i> / Masoud QASEMI	65-71
Shaykh Mahmūd-i Pīr-Budāqī's narration of the <i>Rubā'īyyāt</i> of Khayyām / Seyyed Ali MIRAFZALI	72-75
<i>Pronunciation in Classical Persian Poetry</i> : an exemplar for what should and should not be done in research / Ali SHAPOURAN	76-104
An apocryphal story about Quran manuscripts in Afghanistan: a review of <i>The Story of Invisible Qurans of Afghanistan</i> , and "A Beginning of Cataloguing Manuscripts in Afghanistan" / Masoume NAZARI	105-108
A look into the edition of <i>Khulāṣat al-'Ash'ār va Zubdat al-'Afkār (Yazd, Kerman and its suburbs)</i> / Mortaza MOUSAVI	109-125
An introduction and a review of <i>Nāṣir Khusraw</i> / Hassan HEYDARZADEH SARDORUD	126-136
A review of the Persian translation of <i>Shakuntala</i> / Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI	137-141
A bird's-eye view of <i>Le Quran des Historians</i> / Zeynab Sadat ABTAHI	142-146
A critical look into "A Newly-Found Inscription at the tomb of Darius-the-great in Naqsh-e Rostam (DNf)" / Soheil DELSHAD	147-159

Essays on Research

What does an etymologist do? (6-10) / Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI.....	160-166
--	---------

Iran in Ottoman Texts and Sources (20)

Works of Na'imā Muṣṭafā Efendī / Nasrollah SALEHI	167-170
---	---------



Gozarsh-e Miras

**Quarterly Journal of Textual Criticism,
Codicology and Iranology**

**Third Series, vol. 4, no. 1 - 2, Spring - Summer 2019
[Pub. Winter 2021]**

Properietor:

The WRITTEN HERITAGE RESEARCH INSTITUTE

Managing Director & Editor-in-Chief:

Akbar Irani

Assistant Editor:

Masoud Rastipour

Managing Editor:

Younes Taslimi-Pak

Cover:

Mahmood Khani

Print:

Miras

**No. 1182, Enghelab Ave.,
Between Daneshgah St. & Abureyhan St.,
Tehran, Iran**

Postal Code: 1315693519

Tel: 66490612, **Fax:** 66406258

Website: www.mirasmaktoob.ir

E-mail: gozarsh@mirasmaktoob.ir